

تربیت کودک از دیدگاه منابع و برخی اندیشمندان اسلامی

عالیه^۱، وجیهه شیرکوند مقدم^۲

چکیده

تربیت یکی از مسائل مورد توجه در جامعه صالح است؛ زیرا جامعه صالح، زمینه رشد معنوی و شخصیتی انسان را فراهم می‌کند. در پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی و باروش اسنادی و کتابخانه‌ای، دیدگاه قرآن و کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) و برخی اندیشمندان اسلامی درمورد تربیت بررسی شده است. نتایج نشان داد از نظر اسلام دوره‌های تربیت فرزند به سه دوره تقسیم می‌شود. همچنین در پژوهش حاضر تربیت از منظر قرآن (شامل تربیت اعتقادی، آموزش شریعت و احکام، تربیت اخلاقی مانند مشورت)، از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام) (تربیت عاطفی، توجه به سن در تربیت، تلاش والدین در تربیت) و از منظر اندیشمندان مسلمان بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگر انسان به امر تربیت توجه لازم و کافی داشته باشد به راهکارهای مهمی در امر تربیت دست می‌یابد که وی را در رسیدن به هدف متعالی یاری می‌رساند.

واژگان کلیدی: تربیت، فرزند، قرآن، اندیشمندان اسلامی.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین دغدغه‌های پدر و مادرها چگونگی تربیت کودکان است؛ تربیتی که آینده فرزندان را تضمین می‌کند. بهترین دوره برای تربیت فرزند دوران کودکی است. کودک در سنین اول زندگی خود فاقد هرگونه ادراکی است، اما احساس او کامل است. در مورد خالی‌الذهن بودن کودک از ادراک خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَّ خَدَّوْنَ

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

شما را از شکم‌های مادرانتان خارج کرد درحالی که چیزی نمی‌دانستید» (نحل: ۷۸). کلام خداوند متعال در مورد خالی‌الذهن بودن قلب و ذهن کودک از هرگونه آگاهی و ادراک است. به تدریج که کودک رشد می‌کند اطلاعات و ادراکات محیطی، ذهن او را فرامی‌گیرد. در زمینه تربیت کودکان پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است مانند کتاب مبانی تربیت از دیدگاه قرآن نوشته محمد بهشتی که بیشتر به مبنای امر تربیت فرزندان پرداخته است. کتاب فلسفه تربیت نوشته عیسی ابراهیم‌زاده که به چرایی امر تربیت از منظر اسلام می‌پردازد. پژوهش حاضر بیشتر ناظر بر امر تربیت در دوران کودکی است که با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. در این باره پیشنهاد می‌شود به آموزه‌های دینی در زمینه امر تربیت توجه شود تا موفقیت لازم در این زمینه حاصل گردد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

تربیت یعنی، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را شکوفا و به سمت کمال مطلوب حرکت کند. برانگیختن و فراهم کردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمام استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان برای رسیدن به کمال و سعادت مطلوب را تربیت گویند. (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵)

۲-۲. تربیت کودک در لغت و اصطلاح

واژه تربیت با دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» مرتبط است. کلمه تربیت مصدر باب تفعیل است. (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱) تربیت در لغت به معنای نشو و نما دادن، برکشیدن، زیاد کردن، کامل کردن، ارزشی ساختن، تأدیب کردن و از حالت نقصان به حد تمام و کمال رساندن است. تربیت در اصطلاح به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال است. در تعریف دیگری آمده است که تربیت به معنای ایجاد کردن و یا فعلیت بخشیدن هرنوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

۳. دوره‌های تربیت

بعثت پیامبران، نزول کتاب‌های آسمانی و تشریع شرایع و تکالیف، همه در راستای تربیت انسان و هدایت او به صراط مستقیم عبودیت و نیل به هدف والای خلقت یعنی، معرفت خداوند متعال و تخلق به فضائل انسانی و دوری جستن از رذائل و خوی حیوانی است. آیات و روایات متعددی بر این حقیقت تأکید دارند. فلسفه تشکیل حکومت دینی و نصب کارگزاران شایسته و صالح در رأس امور، تشریع فرایضی مانند امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام دین به تعلیم و تعلم، همان تربیت انسان به تربیت الهی و نیل او به قله بلند معرفت و عبودیت است. خداوند متعال تکلیف این تربیت را به دوش والدین نهاده و مسئولیت اصلی در تربیت برعهده والدین است که باید در این زمینه حرکت درست و اسلامی داشته باشند؛ چه تربیت عمومی فرزند و چه تربیت خاص او که هدف غایی و نهایی زندگی انسان در روی زمین است.

۳-۱. تربیت فرزند از بدو تولد

انسان از آغاز تولد در حال تعلیم و تربیت است. تعلیم به معنای آموزش و یاد دادن چیزی به دیگری است. تربیت نیز به معنای سازندگی و پرورش شخصیت است. با تربیت می‌توان انسان را پرورش داد، ساخت و اجتماعی را دگرگون کرد. تربیت باید با برنامه دقیق و حساب‌شده انجام شود تا موفقیت‌آمیز باشد. در تربیت تنها پند و اندرز کافی نیست، بلکه باید موانع برطرف شود و شرایط فراهم باشد تا زمینه تربیتی حاصل شود. بهترین دوران برای تربیت هر فرد دوران کودکی و زمانی است که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است؛ زیرا دوران کودکی سن مناسب برای پرورش هر بذری است. مسئولیت این امر حساس در مرحله اول برعهده پدران و مادران است. تربیت کار ساده‌ای نیست، بلکه فن بسیار ظریف و حساسی است که کاردانی، اطلاعات کافی، تجربه، بردباری و قاطعیت لازم را می‌طلبد. متأسفانه بسیاری از پدران و مادران با فن تربیت آشنا نیستند و به همین دلیل بیشتر کودکان با برنامه حساب‌شده و درست پرورش نمی‌یابند و خود به خود و به شیوه‌های خودرو و تقلیدی بزرگ می‌شوند.

رسول اکرم ﷺ سنین میان تولد تا بیست و یک سالگی که مهمترین مرحله رشد و نمو انسان است را به سه مرحله تقسیم کرده است که باتوجه به سخن رسول اکرم ﷺ به مراحل سه گانه تربیت، سیادت، اطاعت و وزارت می گویند. پیامبر ﷺ می فرماید: «الْوَلَدُ سَبْعُ سِنِينَ وَ عَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ؛ فرزند در هفت سال اول سید و آقا است، در هفت سال دوم بنده و مطیع و فرمانبردار است و در هفت سال سوم، وزیر، مسئول و طرف مشورت است» (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲).

۳-۲. تربیت در هفت سال اول

فرزند در هفت سال اول زندگی، فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. از این رو، پدر و مادر با دیده رحمت و رأفت به او می نگرند، بسیاری از خواسته هایش را برآورده می کنند و به تمنیاتش جامه عمل می پوشانند. این دوره که سن خوشی و بازی کودک است از زمان تولد شروع می شود. فرزند در او ان کودکی هنوز دنیای خود را نمی شناسد و به طور کامل با آن در ارتباط نیست. او نمی تواند کارهای شخصی خود را انجام دهد. از این رو، به سن رفع نیازها هم تعبیر می شود. روان شناسان دوره تولد تا ۲ سالگی را سن حسی-حرکتی می نامند. از دو سالگی جست و خیز کودک اوج می گیرد و تمایل او به بازی ها بیشتر می شود. او در این سن از تمرکز طولانی در مسائل گریزان است و به دنبال تنوع طلبی و آزادی خواهی است. از دو تا سه سالگی، ارتباط کامل تری با محیط پیرامون خود پیدا می کند و کم کم قدرت تشخیص در او نمایان می شود، ولی همچنان از تصمیم گیری عاجز و به والدین متکی است.

اهمیت تربیت در سن سیادت به این دلیل است که شخصیت فرد در ۵ سال اول زندگی شکل می گیرد. گزل معتقد است: «کودک در ۵ و ۶ سالگی، نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد» (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲). نکته مهم آن است که آزادی کودک در هفت سال اول زندگی به معنی رها کردن او، دادن اجازه انجام اعمال مخاطره آمیز یا خلاف ادب و بی تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست نیست، بلکه یعنی نباید به او فشار آورد یا کاری را که از توانش خارج است به او سپرد. باید با ساماندهی اموری که می تواند انجام دهد آزادی او را با کنترل منطقی همراه کرد.

۳-۳. تربیت در هفت سال دوم

در هفت سال دوم زندگی، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدید می‌آید، جسمش قوی شده و درکش رشد می‌کند و خوبی‌ها و بدی‌ها را تا حدودی می‌فهمد. به همین دلیل مورد مؤاخذه اولیا و مربیان قرار می‌گیرد، ولی چون عقلش به خوبی شکفته نشده است صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد. از این رو، اولیا و مربیان وظیفه او را تعیین می‌کنند و او ناگزیر است فرمان آنها را اطاعت کرده و امرایشان را به کار بندد.

۳-۴. تربیت در هفت سال سوم

هفت سال سوم عمر از پانزده سالگی آغاز می‌شود و تحولات چشمگیری در جسم و جان فرد پدید می‌آید. ممیزات کودک از بین می‌رود و نشانه‌های بزرگسالی در جسم و جانش پدید می‌آید. رسول اکرم ﷺ از جایگاه فرد در این سنین به کلمه وزیر تعبیر کرده است. او مانند هفت سال دوم مطیع پدر و مادر نیست، بلکه در این دوره، نقش وزیر را در خانواده ایفا می‌کند. کودک در این دوره، وزیر و مشاور اولیا و مربیان است. بنابراین، باید در تدابیر امور خانواده و مدرسه و تصمیم‌گیری‌ها او را شریک ساخت تا بدین وسیله نیاز به تشخیص طلبی و استقلال جویی وی ارضا شود.

۴. تربیت فرزند از منظر قرآن

۴-۱. ضرورت تربیت فرزندان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگان بر آن گمارده شده و خشن و سخت‌گیر هستند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به‌طور کامل) اجرا می‌کنند.» (تحریم: ۶)

۲-۴. هدایت اعتقادی فرزندان

خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ به خاطر بیاور هنگامی را که لقمان به فرزندش درحالی که او را موعظه می‌کرد، گفت: پسر، چیزی را شریک خدا قرار مده که شرک ظلم عظیم است». (لقمان: ۱۳) در این آیه و چند آیه بعد از آن سخن از لقمان حکیم و بخشی از اندرزهای مهم او به فرزندش در زمینه توحید و مبارزه با شرک و بیان مسائل مهم اخلاقی است.

۳-۴. آموزش احکام و فروع شریعت به فرزندان

والدین در کنار تعلیم اصول دین باید دستورات و احکام شرایع آسمانی را نیز به فرزندان خود آموزش دهند. صرف آموزش هم به‌تنهایی کافی نیست، بلکه براساس آیه زیر، پافشاری، تأکید، مراقبت و صبر و حوصله بر اجرای تکالیف الهی اعضای خانواده نیز لازم است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش» (طه: ۱۳۲).

۴-۴. مشورت و احترام به رأی و نظر فرزندان

یکی از پیام‌های غیرمستقیم ماجرای ذبح حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام مشورت‌خواهی و تکریم فرزند است. «هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هرچه دستور داری اجرا کن. به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت» (صافات: ۱۰۲ و ۱۰۳).

۵. تربیت فرزند از منظر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

۱-۵. رفتار عاطفی

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید. وقتی به آنها وعده‌ای می‌دهید، وفا کنید؛ زیرا کودکان، شما را رازق خود می‌پندارند». (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۵/۱۲۶)

۵-۲. توجه به سن در تربیت

رسول خدا ﷺ در مورد تربیت از سنین کودکی فرمود: «مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ؛ هرکس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید». (دیلمی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۵) امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَيُسْتَحْدَمُ سَبْعًا؛ کودک در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارده می شود و در هفت سال دوم به او ادب آموخته می شود و در هفت سال سوم به خدمت گرفته می شود» (محدث قمی، ۱۳۴۴، ۲/۶۸۴). امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که کودک به سه سالگی رسید لا اله الا الله را به او بیاموزید و او را رها کنید. وقتی هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول الله ﷺ را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش خواهد آموخت» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱۵/۱۹۳).

۵-۳. تلاش والدین برای تربیت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزند خود امام مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ، لِتَسْتَقْبَلَ بِحَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتُهُ وَتَجَرِبَتُهُ، فَتَكُونَ قَدْ كُفِّتَ مَوْئِنَةَ الطَّلَبِ وَعُوفِيَتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجَرِبَةِ؛ قلب نوجوان نارس مانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو، در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته‌اند». (دشتی، ۱۳۹۶، ص ۳۷۳)

۶. تربیت فرزند از منظر عالمان و دانشمندان دین

از جمله الگوهای انسانی، عالمان و متولیان دین هستند. رفتار و گفتار عالمان و فقها در مردم و جامعه اثر فراوان دارد. اگر عالمی صالح باشد جامعه را به صلاح و رستگاری می‌کشد و چنانچه عالمی فاسد باشد جامعه را به فساد می‌کشد. قرآن در بیان تأثیر عالمان با اشاره به هدایت‌پذیری نصارا می‌فرماید: «این هدایت‌پذیری آنان به این دلیل است که در میان ایشان کشیشان و رهبانان عالی هستند که استکبار نمی‌ورزند» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۵۳۴/۱۱).

۶-۱. ابن سینا

ابن سینا روش‌های تربیتی را از آغاز تولد کودک تا وقتی که مرد عمل شود به‌طور گسترده بیان می‌کند. او معتقد است پدر و مادر باید برای فرزندان خود نام‌نیکو انتخاب کنند و آن‌گاه که کودک برای هرگونه تربیتی آمادگی و قابلیت داشت به تربیت او بپردازند و سختی و نرمی و تشویق و ترسانیدن را به هم بیامیزند. برای طفل معلمی را در نظر بگیرند که دین‌دار و خردمند بوده و اخلاق پسندیده داشته باشد. (بوعلی سینا، ۱۳۱۹، ص ۳۸)

۶-۲. تربیت فرزند از منظر امام خمینی رحمته‌الله

دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن تربیت می‌شود. آنچه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۲۹۳/۷) «خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد. منزل علماست منزل شما و باید منزل تربیت دینی، منزل تربیت علمی، تهذیب اخلاق باشد. توجه به سرنوشت اینها برعهده پدران است و برعهده مادرها. مادرها بیشتر مسئول هستند و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۳۰۳/۷).

۶-۳. تربیت فرزند از نگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب می‌فرماید: «کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که متوقف به وجود آنها هم نیست، رها می‌کنند دچار

اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت انسان آن است که در آغوش پر مهر و محبت مادر پرورش کند و زنایی که فرزند خود را از این موهبت الهی محروم می‌کنند درواقع به زیان خود و فرزند خویش و جامعه اقدام کرده‌اند». در مبانی تعلیم و تربیت اسلامی از گفتارهای رهبرانقلاب این‌گونه برداشت می‌شود که سه مؤلفه اساسی اندیشه‌ورزی، شادابی و معنویت، شالوده تربیت اسلامی ویژه کودک را تشکیل می‌دهد.

۴-۶. تربیت فرزند از نظر شهید مطهری

استاد مطهری در تعریف تربیت می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن و برای همین تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی، گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم». (مطهری، ۱۳۸۳، ۲۲/۵۵۱) تربیت یعنی، پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان. شهید مطهری در توضیح تربیت آورده است: «فن تربیت وقتی گفته می‌شود که منظور، مطلق پرورش باشد به هر شکل. این دیگر تابع غرض ماست که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم» (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۵۷۶).

۵-۶. تربیت فرزند از نگاه آیت الله مکارم شیرازی

اولین مدرسه برای تعلیم و تربیت کودک، خانواده است و بسیاری از زمینه‌های اخلاقی در آنجا رشد و نمو می‌کند. محیط سالم یا ناسالم خانواده تأثیر بسیار عمیقی در پرورش فضائل اخلاقی یا رشد رذایل دارد و سنگ زیربنای اخلاق انسان در آنجا نهاده می‌شود. درنتیجه، کودک بسیاری از سجایای اخلاقی را از پدر و مادر و برادران بزرگ‌تر و خواهران خود می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۴) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تعلیم در کودکی همانند نقشی است که روی سنگ کنده می‌شود» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۱/۲۲۴).

۷. وظایف اولیه و اساسی والدین

۷-۱. شیردهی مادر به نوزاد

پیامبر ﷺ فرمود: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ هیچ شیری برای کودک بهتر از شیر مادر نیست». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷۶/۲۳)

۷-۲. انتخاب نام شایسته

اسم بر اثر تکرار، تأثیر تلقینی خاصی بر کودک می‌گذارد. انتخاب نام خوب و مناسب، یکی از حقوقی است که فرزند بر گردن والدین خود دارد. انتخاب نام خوب برای کودک امر بسیار مهم و حساسی است که تأثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد. نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار و مباهات وی خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵) در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: «نخستین نیکی انسان به فرزندش این است که نام نیک بر او نهد، پس هرکدام از شما باید نام نیک بر فرزندش بگذارد» (کلینی، ۱۳۹۳، ۶/۱۸).

۷-۳. محبت به فرزند

ارتباط عاطفی با فرزند موجب می‌شود که وی با والدین خود صمیمی باشد، به آنها اعتماد کند و آنها را پناهگاه خود در بحران‌های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «به خاطر مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

۷-۴. احترام به فرزند

احترام و تکریم شخصیت انسان یکی از شیوه‌های تربیتی آیین حیات‌بخش اسلام است و آموزه‌های قرآنی برپایه و اصول احترام به انسان و کرامت انسانی بنا نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم انسان را مورد تکریم و ستایش خود قرار داده است و می‌فرماید: «ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم» (اسرا: ۷۰). از نظر اسلام،

کودکان و نوجوانان هم شایسته کرامت و احترام هستند و باید به احساسات آنها احترام گذاشت. والدین در این مورد وظیفه مهم و خطیری برعهده دارند. آنها باید شخصیت کودک را مورد توجه قرار دهند و براساس اصل کرامت و حرمت انسان با او رفتار کنند.

۷-۵. عقیقه برای فرزند

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «اذا كان يوم سابعه فاذبح فيه كبشا؛ در روز هفتم برای نوزاد گوسفندی ذبح کن». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۴۳۵/۳۴) امام صادق علیه السلام فرمود: «سلامتی هر نوزادی در گرو قربانی کردن گوسفندی است که برای او معین شود و ازطرفش عقیقه گردد» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۴۱۳/۲۱). حضرت ابوطالب علیه السلام نیز در روز هفتم تولد پیامبر ﷺ برای ایشان عقیقه کرد. در روایاتی که از زندگی حضرت زهرا علیه السلام نقل شده، آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛ فاطمه علیه السلام برای حسن و حسین علیه السلام عقیقه کرد» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۴۲۸/۲۱).

۷-۶. توجه به بازی و تفریح کودک

یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودکان نیاز به بازی و سرگرمی است. کودکان در بازی‌های خود دنیای بزرگسالی را تجربه کرده و خود را برای ورود به آن آماده می‌کنند. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که بازی کودکان با یکدیگر به آنها کمک می‌کند تا شیوه همکاری با سایر کودکان را فراگیرند و از دیدگاه خودمحورانه خود فراتر روند. (هیوز، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴) بازی و سرگرمی، حق طبیعی کودک است که دست حکیمانه خلقت در نهاد وی به‌ودیعت نهاده است. والدین نباید به بهانه کثرت مشغله، ترس از اتفاقات هنگام بازی و... کودک را از این حق محروم کنند. با همبازی شدن با کودک می‌توان کنترل خشم، مهرورزی، همکاری و تعاون، مهارت‌آموزی، رعایت حقوق دیگران (همبازی) و... را به او آموخت. در این مورد به دو آیه از قرآن اشاره می‌شود:

در داستان حضرت یوسف علیه السلام برادر حسود، برای پیاده‌سازی نقشه شوم خود، یوسف علیه السلام را از پدر دور کردند. پدر که نسبت به حس حسادت ایشان به یوسف علیه السلام واقف بود، مخالفت کرد، اما تنها سلاح منطقی فرزندان که حضرت یعقوب علیه السلام را تسلیم خواسته خود کنند تأکید برادران بر

نیاز کودک به تفریح و بازی است. از این رو، با این استدلال، خطاب به پدر گفتند: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست تا غذای کافی بخورد و تفریح کند و ما نگهبان او هستیم» (یوسف: ۱۲). از این آیه نکته دیگری هم مستفاد است و آن اینکه بهتر است تفریح و ورزش در فضای آزاد و سبز صورت گیرد که بر جنبه‌های روانی شادایی و سلامت جسمانی فرزندان بیافزاید.

۷-۷. هم‌صحبتی با فرزند

با کودک باید رفیق بود و مدارا کرد به‌ویژه در دوران خردسالی که باید دقت کرد به‌قدر فهم و درک کودک با او صحبت کرد. بهترین تربیت آن است که شخص، عاقل بار بیاید. مربیان امروزی فقط با دلایل عقلانی می‌خواهند طفل را به این مرحله نزدیک کنند. اگر کودکان دلایل عقلی را می‌فهمیدند احتیاجی به تربیت نداشتند. اگر والدین از اول طفولیت با کودکان با زبانی غیرقابل فهم صحبت کنند آنها را به استعمال کلمات بی‌مورد و بیهوده عادت داده‌اند. در نتیجه، کودکان سرکش شده و جر و بحث ایجاد می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «ما گروه پیامبران موظفیم با مردم به‌قدر توانایی فهم آنان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۳۹۳، ۲۳/۱). بنابراین، باید به‌مقدار فهم کودک با او سخن گفت و چیزی را که در توانایی و فهم قوای عقلانی او نیست به او القا نکرد؛ زیرا موجب ایجاد نفرت و انزجار می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

در جنبه سازندگی برای وصول به مقاصد باید اعتراف کرد که کار تربیت دشوار است. کار ساختن انسان دست‌کم از مرحله جنینی آغاز می‌شود و تا لحظه مرگ ادامه دارد. اگر تنها حق کودک هم تربیت او باشد باید به آن همت گماشت و در این راه مشقات و رنج‌های زیادی را تحمل کرد. در راه تربیت نسل و رساندن آنها به مقصد به مربیانی آگاه، دلسوز و فداکار نیاز است. مربیانی که خود تربیت‌یافته و باکفایت و لیاقت باشند و اصل تدریجی بودن تربیت را در پرورش کودکان همواره در نظر داشته باشند.

فهرست منابع

- * قرآن مجید
- * نهج البلاغه (۱۳۹۶). مترجم: دشتی، محمد. قم: نشتا.
۱. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۲). فلسفه تربیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
 ۲. ابن سینا (۱۳۱۹). ابن سینا و تدبیر منزل. مترجم: نجمی زنجانی، محمد. تهران: ایران.
 ۳. بهشتی، محمد (۱۳۸۷). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
 ۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه. تهران: کتابچی.
 ۵. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۱). ارشاد القلوب. قم: الشریف الرضی.
 ۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). ترجمه المیزان. قم: اسلامی.
 ۷. طباطبایی، محمدرضا (۱۳۷۹). صرف ساده. قم: دار العلم.
 ۸. طبرسی، فضل بن حسن، و موسوی، حبیب الله (۱۳۸۶). مکارم الاخلاق. قم: حبیب.
 ۹. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۳). دوران طلایی تربیت. قم: نور الزهرا.
 ۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). اصول کافی. تهران: دار الثقلین.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. قم: اسلامی.
 ۱۲. محدث قمی، عباس (۱۳۴۴). سفینه البحار. قم: دار الاسوه.
 ۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار. قم: صدرا.
 ۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، و علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). والاترین بندگان. قم: نسل جوان.
 ۱۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
 ۱۷. هیوز، فرگاس پیتر (۱۳۸۷). روان شناسی بازی. مترجم: گنجی، کامران. بی جا: رشد.